مردم سالاری

حاکمیت حق مردم است

دوشنبه ۲۶ آبان ۱۴۰۴ - ۲۶ جمادی‌الاول ۱۴۴۷ - ۱۷ نوامبر ۲۰۲۵ - سال بیست و چهارم - شماره ۶۶۸۷ - ۱۲ صفحه - ۱۵۰۰۰ تومان

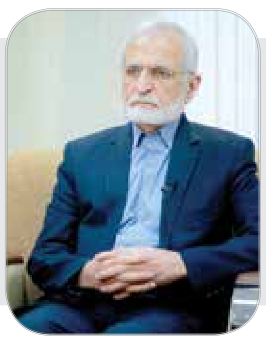

با ایران مذاکره واقعی کنید

صفحه ۳

شوک چپ در ایرلند

صفحه ۱۱

بعد از ظریف نوبت به عارف رسید

یقه‌گیری تندروها این‌بار از معاون اول پزشکیان

صفحه ۲

عکس: Newsweek

حواشی غیبت لاوروف ادامه دارد

ماجراهای سرگئی

صفحه ۱۱

تیشه به حوض تئاترشهر

حوض تئاترشهر با خاک یکسان شد. در پیشروی تازه شهرداری تهران در حریم تئاتر شهر، حوض مدور مقابل این بنا تخریب شد. مدت‌هاست که حریم تئاتر شهر هر بار به شکلی از سوی شهرداری تهران مورد تعرض قرار می‌گیرد. تصاویر جدید نشان می‌دهد حوض مدور مقابل بنای تئاتر شهر به‌طور کامل تخریب شده است. این محوطه و سکوهای اطراف آن زمانی محل اجرای تئاتر خیابانی بود، اما حالا با خاک یکسان شده است. تخریب حریم و منظر مجموعه تئاتر شهر...

صفحه ۴

افزایش پلکانی قیمت حامل‌های انرژی در سال آینده

طبق بخشنامه بودجه سال ۱۴۰۵ که روز شنبه هفته جاری ابلاغ شده، دولت درصدد افزایش پلکانی قیمت حامل‌های انرژی در سال آینده است و تاکید شده این امر در راستای حمایت از اقشار کم درآمد جامعه و کنترل دهک‌های پر درآمد و پر مصرف اجرا می‌شود. روز شنبه هفته جاری، مسعود پزشکیان - رئیس جمهور- بخشنامه تهیه و تنظیم لایحه بودجه ۱۴۰۵ را به دستگاه‌های اجرایی کشور ابلاغ کرد. در بخشنامه ارائه شده دولت به دستگاه‌های اجرایی برای...

صفحه ۶

خشکیدگی ۴ میلیون هکتار از جنگل‌های زاگرس

معاون آبخیزداری سازمان منابع طبیعی کشور از وقوع پدیده خشکیدگی بلوط در چهار میلیون هکتار از جنگل‌های زاگرس خبر داد. حسن وحید در مراسم کلنگ‌زنی بند انحرافی سد خاکی «آبدیفه» شهرستان خرم‌آباد، اظهار داشت: آبخیزداری صرفاً یک پروژه مکانیکی نیست، بلکه مجموعه‌ای از اقدامات بیولوژیک، مکانیکی، مدیریتی و ترویجی است که از سرشاخه‌های حوزه آغاز و تا خروجی آن ادامه پیدا می‌کند. وی با اشاره به مشکلات حوزه زاگرس، افزود:...

صفحه ۸

یادداشت

تیم اطلاع‌رسانی دولت و چالش‌هایی که نمی‌توان نادیده گرفت

ایمان اسلامی بین

اطلاع‌رسانی در دولت، به‌ویژه در دوره‌هایی که فضای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور با تحولات سریع روبه‌روست، نقش تعیین‌کننده‌ای در مدیریت افکار عمومی، ایجاد اعتماد اجتماعی و کاهش هزینه‌های تصمیم‌گیری دارد. اما طی سال‌های اخیر، تیم اطلاع‌رسانی دولت با چالش‌هایی روبه‌رو شده که کارآمدی آن را کاهش داده و موجب شده بسیاری از پیام‌های دولت یا به‌درستی شنیده نشود یا در فضای رسانه‌ای پرتنش امروز گم شود. این یادداشت به مهم‌ترین ضعف‌ها و چالش‌های تیم اطلاع‌رسانی دولت می‌پردازد.

نخستین و مهم‌ترین چالش، فقدان استراتژی واحد ارتباطی است. پیام‌های دولت در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاست خارجی، اغلب به‌صورت جزیره‌ای و بدون هماهنگی میان بخش‌ها منتشر می‌شود.

این پراکندگی باعث ایجاد ابهام، برداشت‌های متفاوت و در نهایت بی‌اعتمادی در جامعه می‌شود. نبود یک نقشه راه رسانه‌ای، تیم اطلاع‌رسانی را از نقش «هدایت افکار عمومی» به «واکنش به بحران‌ها» تقلیل داده است.

دومین مسئله، ضعف در سرعت و کیفیت واکنش رسانه‌ای است. در عصر شبکه‌های اجتماعی، افکار عمومی با سرعتی چند برابر گذشته شکل می‌گیرد؛ با این حال، اطلاع‌رسانی رسمی دولت غالباً با تأخیر انجام می‌شود. فضای خالیِ پاسخ‌گویی نیز در این مدت توسط تحلیل‌های غیررسمی، اخبار نادرست و روایت‌های جانبدارانه پر می‌شود و وقتی توضیح رسمی منتشر می‌شود، عملاً تأثیرگذاری اصلی را از دست داده است.

سومین مشکل، فاصله گرفتن دولت از رسانه‌های حرفه‌ای و مستقل است. اعتماد رسانه‌ها سرمایه‌ای است که به‌سادگی به دست نمی‌آید و با محدودیت در دسترسی خبرنگاران، جلسات غیرتعاملی و نبود فضای گفت‌وگو، این سرمایه به تدریج از بین می‌رود. نتیجه این روند، کاهش کیفیت روایت‌های رسمی و عدم باورپذیری آن نزد افکار عمومی است.

چهارمین چالش، عدم استفاده از تحلیل داده و ابزارهای نوین ارتباطی است. بسیاری از دولت‌ها در جهان امروز از داده‌کاوی، رصد لحظه‌ای افکار عمومی، و تحلیل‌های رفتاری برای طراحی پیام‌ها استفاده می‌کنند؛ اما تیم اطلاع‌رسانی دولت همچنان بیشتر بر روش‌های سنتی مانند بیانیه و نشست خبری تکیه دارد. این شکاف باعث می‌شود پیام‌ها با نیاز و نگرانی واقعی مردم همسو نباشد.

چالش پنجم به نبود چهره‌های ارتباطی قابل اعتماد و حرفه‌ای باز می‌گردد. سخنگوی دولت و مدیران رسانه‌ای باید چهره‌هایی باشند که قدرت اقناع داشته و در بزنگاه‌ها بتوانند روایت دولت را با شفافیت و تسلط بیان کنند.

اما گاه دیده می‌شود که سخن‌گویی دولت یا دیر انجام می‌شود، یا بیان آن شفاف نیست، یا از عمق و کیفیت لازم برخوردار نیست. در نهایت، مسئله مهم و تاثیرگذار دیگر، کمبود شفافیت و میل به پنهان‌کاری ساختاری است. جامعه امروز پرسشگر است و پنهان‌کاری، نه‌تنها مسئله را حل نمی‌کند بلکه اعتماد عمومی را تضعیف کرده و خوراک لازم برای روایت‌سازی‌های رقیب را فراهم می‌کند. اطلاع‌رسانی باید پیش‌دستانه، شفاف و صادقانه باشد تا فضای رسانه‌ای از حالت تدافعی خارج شود.

اگر تیم اطلاع‌رسانی دولت می‌خواهد نقش واقعی خود را ایفا کند، باید با بازنگری اساسی در راهبرد ارتباطی، تقویت تعامل با رسانه‌ها، استفاده از نیروهای حرفه‌ای‌تر، و بهره‌گیری از ابزارهای نوین ارتباطی، کارآمدی خود را افزایش دهد. در غیر این صورت، فاصله میان دولت و افکار عمومی هر روز بیشتر خواهد شد و روایت‌سازی‌های غیررسمی، میدان را دست‌نخورده در اختیار خواهند گرفت.

یادداشت

قلم عدالت در دست جنایت

نیروانا مهر آیین

براساس گزارش‌های تازه، شواهد و اسناد اطلاعاتی آمریکا نشان می‌دهد که وکلای نظامی اسرائیل در جریان عملیات اخیر خود در نوار غزه، نسبت به احتمال ارتکاب «جنایات جنگی» هشدار داده بودند، اما اقدامی مؤثر برای جلوگیری از آن انجام نشده است. این هشدارها شامل توصیه‌های مشخص برای رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حفاظت از غیرنظامیان بوده است. با این حال، مطابق اسناد موجود، فرماندهان نظامی اسرائیل به این هشدارها توجه نکرده‌اند و حملات به مناطق مسکونی و زیرساخت‌های حیاتی ادامه یافته است.

سازمان عفو بین‌الملل نیز در گزارشی جداگانه اعلام کرده است که بسیاری از دولت‌ها، نهادها و شرکت‌ها با سکوت، همکاری یا ادامه روابط اقتصادی و نظامی، به استمرار نقض حقوق بین‌الملل توسط اسرائیل کمک کرده‌اند.

این گزارش، موارد نقض را شامل حملات غیرقانونی، اشغال سرزمین‌های فلسطینی، آپارتاید و اعمال محدودیت‌های شدید بر زندگی غیرنظامیان توصیف می‌کند. سازمان عفو بین‌الملل بر این نکته تأکید دارد که سکوت و بی‌عملی جامعه بین‌المللی باعث شده که این نقض‌ها ادامه یابد و پاسخگویی قانونی متوقف شود.

حقوق بین‌الملل بشردوستانه و قوانین ژنو به‌طور صریح حمله به غیرنظامیان، تخریب عمدی زیرساخت‌های حیاتی، انتقال اجباری جمعیت و اعمال مجازات دسته‌جمعی را ممنوع کرده‌اند. بر اساس اسناد موجود، بسیاری از اقدامات نیروهای اسرائیلی در نوار غزه، به وضوح با این مقررات مغایرت دارد و در صورت تأیید، مقامات نظامی و سیاسی اسرائیل ممکن است با مسئولیت کیفری بین‌المللی روبه‌رو شوند. کارشناسان حقوق بین‌الملل تأکید کرده‌اند که حتی مشورت حقوقی داخلی و آگاهی از نقض حقوق بین‌الملل، مسئولیت مقامات را کاهش نمی‌دهد و می‌تواند به افزایش شواهد علیه آنها منجر شود.

واکنش‌های دیپلماتیک به این گزارش‌ها تاکنون محدود بوده است. برخی کشورهای غربی که روابط نزدیک با اسرائیل دارند، از صدور محکومیت رسمی خودداری کرده‌اند و ترجیح داده‌اند که به مسیر دیپلماتیک و مذاکرات پشت‌پرده بسنده کنند. با این حال، نهادهای حقوقی و تحلیلگران بین‌المللی بر لزوم تحقیقات مستقل و تحت نظر سازمان ملل برای تضمین عدالت و پاسخگویی تأکید دارند. این تحقیقات می‌توانند پرونده‌های جدید جنایات جنگی و نقض حقوق بشر را در سطح بین‌المللی فعال کنند و مقدمات ارجاع به دادگاه بین‌المللی کیفری را فراهم کنند.

گزارش‌ها همچنین به نقش مهم نهادها و شرکت‌های بین‌المللی اشاره می‌کنند. برخی شرکت‌ها در زمینه تأمین تجهیزات نظامی، فناوری‌های نظامی یا حمایت‌های اقتصادی با اسرائیل همکاری داشته‌اند، امری که می‌تواند در چارچوب حقوق بین‌الملل، مسئولیت حقوقی برای آن‌ها ایجاد کند. این موضوع، چالش جدیدی برای تعریف مسئولیت بین‌المللی نهادهای غیردولتی و شرکت‌های بزرگ فراهم می‌کند.

از منظر انسانی، این اقدامات موجب تلفات گسترده در میان غیرنظامیان، تخریب مدارس، بیمارستان‌ها و زیرساخت‌های حیاتی شده است. گزارش‌ها حاکی از آن است که جمعیت غیرنظامی تحت شرایط سختی قرار گرفته‌اند و دسترسی به آب، برق و دارو محدود شده است. حقوق بین‌الملل تأکید دارد که محافظت از غیرنظامیان و زیرساخت‌های غیرنظامی، یک اصل بنیادین است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت.

تحلیلگران حقوق بین‌الملل هشدار می‌دهند که اگر جامعه بین‌المللی به این نقض‌ها پاسخ مناسبی ندهد، پیامدهای طولانی‌مدتی خواهد داشت؛ از جمله تضعیف قوانین بین‌الملل، کاهش اعتبار سازمان ملل و تشویق سایر کشورها به نادیده گرفتن قوانین بین‌المللی در شرایط مشابه. آنها همچنین تأکید می‌کنند که ایجاد پرونده‌های قضایی و اعمال فشار دیپلماتیک، مهم‌ترین ابزار برای تضمین پاسخگویی و جلوگیری از تکرار جنایات است.

در نهایت، این گزارش‌ها یادآوری می‌کنند که عدالت بین‌المللی و حقوق بشر در معرض تهدید هستند، و بی‌عملی یا سکوت جهانی، «قلم عدالت را در دست جنایت» قرار می‌دهد. اکنون توجه جامعه جهانی به اقدامات اسرائیل، واکنش‌های کشورها و روند تحقیقات بین‌المللی معطوف شده است، و این پرونده می‌تواند سرنوشت نقض حقوق بین‌الملل در دهه‌های آینده را شکل دهد.

یادداشت

مرگِ پیش از مرگ

روح‌اله فردوسی

درست دانسته نیست که پیش از آن که تن او از حرکت باز ایستد، چه چیز بس بزرگ‌تر و مرگبارتر در او خاموش شد؛ ذهن، ضمیر، شور نقد و عطش حضور؟! وقتی خبری از خودکشی یک روزنامه نگار می‌شنویم، نخستین تکان دل، پرسشی ساده و خونین است؛ چرا؟ اما پاسخ این «چرا» غالبا در لایه‌هایی پنهان است که هیچ عکس فوری و هیچ گزارش فوری آنها را ثبت نمی‌کند. این یادداشت می‌کوشد تا آن لایه‌ها را آن سیر خاموش «مرگ پیش از مرگ» در اندیشه و ضمیر را بازخوانی کند؛ بی‌آنکه به عمل نهایی خودکشی توجیهی بدهد، اما با اصرار بر این نکته که خودکشی هرگز صرفا «فعل جسم» نیست؛ اغلب، نقطه پایانی تراژیک فرآیندی است که سال‌ها پیش از آن در ذهن و جان یک کنشگر فکری و اجتماعی آغاز شده است.

روزنامه نگاری که شب و روز خود را وقف نورافکندن بر زوایای پنهان جامعه می‌کند، دیر یا زود با دو دشمن نامرئی رو به رو می‌شود؛ نخستین آن، خستگی روحی مزمن و دیگری مرگ تدریجی انگیزه است. وقتی واکنش‌ها کم، شنیده شدن‌ها اندک و تغییرها کند یا نامرئی اند، انگیزه تحلیل آنچه روزنامه نگار را از خواننده جدا می‌کند می‌میرد. ایده‌ها یکی یکی به گوشه‌ای رانده می‌شوند، نقدها بی پاسخ می‌مانند و این بی پاسخی همان قدر کشنده است که تحقیر آشکار. در این معنا، خودکشی اجتماعی نخست در ذهن رخ می‌دهد؛ جایی که پرسش «آیا صدای من اهمیتی دارد؟» آرام آرام بدل به توالی پی از «نه» می‌شود.

فراتر از خستگی فردی، فضای اجتماعی می‌تواند به قتل تدریجی اندیشه بینجامد. قتل فکری لزوما خشونت‌بار نیست؛ گاهی به صورت نادیده انگاری پیوسته، گاهی به صورت سانسور نرم، گاهی با طرد اخلاقی یا فروکاستن یک روایت به «نمونه‌ای نامطلوب» رخ می‌دهد. وقتی یک نقد به طور پایدار شنیده نمی‌شود، وقتی یک تحلیل رنگ گفتار رسمی را به خود نمی‌گیرد، آن فکر آن وجه زحمت کش و پرسشگر آدمی انگار از هستی خویش اخراج می‌شود. این «اخراج اندیشه» می‌تواند به همان اندازه که بدن را می‌کُشد، روح را خسته و رها کند.

از منظر اخلاقی، اجتماع ما نسبت به صاحبان اندیشه مسئولیت دارد. شنیدن صرف، بدون تلاش برای درک، خود نوعی خیانت اخلاقی است. فلسفه اخلاق به ما می‌گوید که نقد سازنده و احترام به کرامت فکری دیگری، رکن زیست جمعی سالم است؛ وقتی این رکن‌ها فرو می‌پاشد، شبکه اخلاقی جامعه آسیب می‌بینند. به علاوه، از منظر فلسفه ذهن و وجود، آنچه ما «هویت فکری» می‌نامیم، در تعامل با دیگری شکل می‌گیرد؛ بی‌اعتنایی پیوسته، هویت منتقد را تخریب می‌کند و او را از پیوندش با جهان معنا محروم می‌سازد.

در فرهنگی که توانایی پذیرش اختلاف دیدگاه‌ها را از دست بدهد، اندیشمند و روزنامه نگار به راحتی به حاشیه رانده می‌شوند. فرهنگ سیاسی و رسانه‌ای که تنش را به صورت حذف صدای مخالف پاسخ می‌دهد، فضای تنفسی انتقادی را تنگ می‌کند. این تنگی نه فقط برای فرد که برای خود فرهنگ نیز زیانبار است زیرا هر فرهنگی که صدای نگران و پرسشگر خود را خاموش کند، از ابزارهای اصلاح تهی می‌شود. روانشناسی بحران به ما می‌گوید که احساس بی پناهی، تنهایی اجتماعی، احساس بی‌معنایی و فقدان امید از مهم ترین عوامل شعله ور شدن بحران‌ها هستند. روزنامه نگارانی که پیام کارشان «بی اثر» شناسایی می‌شود، ممکن است به تدریج اعتماد خود به توان تاثیرگذاری را از دست بدهند و این فقدان اعتماد، خود به عاملی برای کناره‌گیری رفتاری تبدیل می‌شود؛ همانند کمتر نوشتن، کمتر تلاش کردن برای پیگیری گزارش‌ها و مشارکت اجتماعی. رفتاری که بیرون از نگاه عمومی ساده به نظر می‌رسد، در درون خود نشان دهنده فروپاشی معناست. آنچه در این میان باید یادآور شد، نقش مکرر «نادیده‌گیری» است؛ پیام‌های خصوصی که بی‌پاسخ می‌مانند، نقدهایی که در لابه‌لای هیاهو گم می‌شوند، تلاش‌هایی که به خاطر اجبارهای ساختاری نیمه کاره رها می‌شوند.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

درنگی بر کارکرد القاب سیاسی در ساختار حکمرانی

رحمان پرورش

در گستره سیاست جهانی، آهنگ القاب و عناوین رسمی همواره نوایی ویژه داشته است. این واژه‌های به ظاهر ساده، چونان تارهای چنگی می‌باشند که در دستان کارگردانان سیاست، نغمه‌هایی گاه هم‌آهنگ و گاه ناساز پدید می‌آورند.

در سرزمین‌هایی که ساختارهای نهادی از استواری و پایایی برخوردارند، این القاب بیشتر رنگ و بوی تشریفاتی به خود می‌گیرند. همان‌گونه که نگارگری زیبا، حاشیه‌ای بر متن اصلی است، این عناوین نیز در چنین دیاری، حاشیه‌ای بر متن استوار حکمرانی می‌شوند. در اینجا، نهادهای توانمند و پاسخگو هستند که سنگ بنای حکومت را تشکیل می‌دهند و القاب سیاسی، سایه‌ای هستند بر این بنای استوار...

اما در سرای دیگری، جایی که نهادها از کاستی‌هایی رنج می‌برند، این القاب و عناوین می‌توانند نقشی دیگر بیابند. در این پهنه، گاه این نغمه‌های نمادین، آوایی بلندتر از کارکرد نهادها پیدا می‌کنند. گویی که آرایش واژگان، می‌خواهد جای خالی استواری نهادها را پر کند.

در این میان، اصحاب خرد بر این باور پای می‌فشارند که راستای درست توسعه سیاسی، نه در بازی با واژگان، که در استواری و قوام بخشیدن به نهادهاست. همان‌گونه که در کشاورزی، توجه به ریشه و بن‌مایه گیاه است که باروری را به ارمغان می‌آورد، در سیاست نیز، توجه به بن‌مایه‌های نهادیست که کشور را به شکوفایی می‌رساند.

تجربه کشورهای رهرو راه توسعه نشان داده است؛ آنجا که نهادهای توانمند و شفاف پدیدار می‌شوند، القاب سیاسی به تدریج جایگاه واقعی خود را می‌یابند. در چنین سرزمین‌هایی، این نهادهای استوارند که سکان هدایت کشور را به دست می‌گیرند و عناوین نمادین، به حاشیه رانده می‌شوند.

راه دراز توسعه سیاسی، هرچند که گاه ناهموار و دشوار می‌نماید، ولی با گام‌های استوار و پیگیر در مسیر نهادسازی، می‌توان به سرمنزل مقصود رسید. در این راه، شکیبایی و دوراندیشی رهروان، چراغیست فراراه این مسیر...

مجموعه رسانه‌ای مردم سالاری را در فضای مجازی دنبال کنید

تازه ترین و موثق‌ترین خبرها و تحلیل‌ها و گزارشها

پایگاه خبری مردم‌سالاری آنلاین

www.mardomsalari.ir

روزنامه مردم سالاری

www.mardomsalari.ir/newspaper